

## بررسی رابطه بین متغیرهای ورشکستگی آلتمن و تغییر حسابرس

دکتر بهمن بنی مهد<sup>۱</sup>

رضا اکبری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۸۹/۷/۶

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۲۰

### چکیده:

این تحقیق رابطه بین متغیرهای شاخص ورشکستگی آلتمن و تغییر حسابرس را طی یک دوره زمانی ۷ ساله از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار می دهد. با استفاده از داده های ترکیبی از ۵۶ شرکت مشخص گردید که هیچکدام از متغیرهای مذکور با تغییر حسابرس رابطه معنی دار ندارند. اما با افزودن متغیرهای کیفی مانند صدور گزارش غیرمقبول در سال قبل از تغییر حسابرس، تغییر مالکیت و همچنین متغیرهای کمی اندازه شرکت و نسبت اهرمی به عنوان متغیرهای کنترل کننده، نشان داده شد که عوامل تاثیرگذار بر تغییر حسابرس در ایران، عوامل غیر کمی است. یافته های تحقیق دلالت بر این موضوع دارند که تغییر حسابرس بیشتر تحت تأثیر عوامل غیر حسابداری از جمله عدم تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت، وجود سهامداران عمده در ترکیب سهامداران شرکتها (پایین بودن سهام شناور شرکتها)، وجود سهامداران حقوقی و شبه دولتی در ترکیب سهام شرکتها، تصمیم گیری شرکت های هلدینگ برای شرکت های گروه می باشد.

**واژه های کلیدی:** تغییر حسابرس، مالکیت، شاخص ورشکستگی آلتمن، گزارش غیر مقبول.

<sup>۱</sup> استادیار مدعو گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران b\_banimahd@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دوره کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

## 4 مقدمه

استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری نشان دهد که آیا تغییر حسابرِس با شاخص ورشکستگی شرکت‌ها رابطه دارد یا خیر؟ پیشنهاد تحقیق، روش تحقیق و یافته‌های آن در ادامه مقاله آورده می‌شود.

## پیشینه تحقیق

شوارتز و منون (۱۹۸۵) دریافتند که شرکت‌های بحران‌زده و دارای مشکلات مالی، بیشتر از رویه‌های حسابداری استفاده می‌کنند که سود را بیشتر نشان دهند. همچنین تغییرات حسابداری انجام شده توسط این شرکت‌ها به نحوی است که احساس یا ادعای مدیریت در رابطه با مناسب بودن وضعیت مالی شرکت را به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی منتقل نمایند. در این راستا معمولاً حسابرسان موضعی اتخاذ می‌کنند که منطبق بر تمایلات مدیریت نیست و حتی ممکن است اظهارنظر مشروط ارائه نمایند. مدیریت نیز می‌تواند ادعا کند، دریافت چنین گزارش‌هایی از حسابرسان ممکن است به کاهش قیمت سهام و حمایت کمتر اعتباردهندگان از شرکت و نهایتاً افزایش ریسک شرکت منجر می‌شود. در چنین شرایطی یکی از راهکارهای پیش روی مدیریت، جستجوی حسابرسانی است که نقطه نظراتشان با ترجیحات مدیریت هم سویی بیشتر یا حداقل اختلاف کمتری دارد.

از سوی دیگر هرچه آشفتگی وضعیت مالی، ریسک اقتصادی و حسابرسی یک واحد مورد رسیدگی بیشتر باشد، حسابرِس جدید در شرایط عادی روش‌های رسیدگی خود را افزایش می‌دهد و روش‌های حسابداری احتیاط‌آمیزتری را از صاحبکار می‌پذیرد. حتی در شرایطی که ریسک حسابرسی خیلی زیاد باشد، ممکن است استعفا دهد. از سوی دیگر واحدهای اقتصادی که وضعیت مالی مناسبی ندارند، ممکن است به امید دریافت گزارش حسابرسی مورد

در سال‌های اخیر بعد از تشکیل جامعه حسابداران رسمی، تغییر حسابرِس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، به پدیده‌ای مرسوم تبدیل گردیده است. این موضوع می‌تواند قدرت حرفه‌ای و استقلال حسابرسی را تحت الشعاع قرار داده و پیامدهای نامطلوبی را به همراه داشته باشد. تغییر حسابرِس غالباً باعث می‌شود اعتماد سرمایه‌گذاران به اتکالپذیری صورت‌های مالی کاهش یابد. به خصوص اگر تعویض حسابرِس با بار معنایی منفی، اخبار ناخوشایند و تردید نسبت به حسابرِس جایگزین، همراه باشد.

کاهش اعتماد استفاده‌کنندگان به صورت‌های مالی نه تنها به ناکامی اهداف حسابرسی می‌انجامد، بلکه موجب کاهش اعتبار فرآیند حسابرسی در ابعاد کلان خواهد شد. به علاوه این اثر می‌تواند مانع از جریان صحیح، کارا و اثر بخش سرمایه در بازار اوراق بهادار شود و هزینه‌های تامین مالی را افزایش دهد. بنابراین تعویض حسابرِس از یک سو بر عملکرد حرفه حسابرسی و اعتبار آن و از سوی دیگر بر جریان سرمایه در بازارهای مالی اثرگذار است.

چنان‌چه که تا کنون در تحقیقات آورده شده است شرکت‌هایی که از نتایج عملکرد مطلوب برخوردار نیستند، پدیده تغییر حسابرِس در آنها رایج تر است. از این رو، در این تحقیق با استفاده از شاخص ورشکستگی  $Z$  آلتمن سعی بر این است تا رابطه بین این شاخص با موضوع تغییر حسابرِس مورد بررسی قرار گیرد. هدف تحقیق آن است تا با بررسی اثر درجه ورشکستگی شرکت‌ها بر تغییر حسابرِس، طی یک دوره ۷ ساله بررسی و مبانی نظری موضوع تغییر حسابرِس در ایران بسط داده شود.

اهمیت پژوهش این است که به گونه تجربی به تحلیل گران مالی، سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر

موجود می‌باشد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود. فرانسیس و ویلسون (۱۹۸۸)، «بین اهرم مالی و تغییر حسابرس به سطح حسابرسی با کیفیت تر رابطه معنادار منفی وجود دارد» [۴]. یافته‌های فرث و اسمیت (۱۹۹۲) نتایج تحقیق فرانسیس و ویلسون را تأیید می‌نماید [۳]. در تحقیقی دیگر که توسط وو و کو (۲۰۰۱) تحت عنوان بررسی عوامل مرتبط با تغییر حسابرس در سنگاپور انجام شده نتایج تحقیق مذکور حاکی از وجود ارتباط مستقیم بین اهرم مالی و تغییر حسابرسی، عدم ارتباط بین اهرم مالی شرکت و تغییر حسابرس به سطح حسابرسی با کیفیت بالاتر و عدم ارتباط وضعیت مالی شرکت‌ها با تغییر حسابرس می‌باشد [۱۲].

عبدالناصر و همکاران (۲۰۰۶) در تحقیقی از ۲۹۷ شرکت در یک دوره زمانی یازده ساله در کشور مالزی دریافتند که احتمال تغییر حسابرس در شرکت‌ها با وضعیت مالی نامناسب، بالاتر است [۱].

اسماعیل و همکاران (۲۰۰۸) در یک تحقیق درباره تعیین عوامل تاثیرگذار بر تغییر حسابرس در کشور مالزی دریافتند که از میان متغیرهای تغییر مدیریت، تغییر در ریاست کمیته حسابرسی، تغییر نام شرکت، صدور گزارش حسابرسی غیر مقبول در سال قبل از تغییر حسابرس، تغییر مالکیت، تغییر در حق الزحمه حسابرسی، مدت زمانی که حسابرس، حسابرسی شرکت را به عهده داشته است، سطح نقدینگی شرکت، ریسک مالی شرکت (نسبت اهرمی)، رشد فروش و سودآوری شرکت در میان شرکت‌های پذیرفته شده در تابلوی دوم بورس اوراق بهادار کوالا لامپور تنها متغیرهای نسبت اهرمی، رشد فروش، حق الزحمه حسابرسی و مدت زمانی که حسابرس حسابرسی شرکت را به عهده داشته است، از عوامل تعیین کننده تغییر حسابرس می‌باشد [۵].

چو و رایس (۱۹۸۲) در بررسی رابطه بین تغییر

نظر خود اقدام به تعویض حسابرس فعلی نمایند. [۱۰] ون استرالن (۲۰۰۳) دریافت که صدور گزارش عدم اظهار نظر در مورد تداوم فعالیت با ورشکستگی شرکت‌های بلژیکی در سال بعد از آن رابطه مستقیم و معنی دار دارد. همچنین آنها دریافتند که صدور این نوع گزارش حسابرسی موجب تغییر حسابرس در سال بعد از آن خواهد شد. [۱۱]

لنکس (۲۰۰۰) در یافت که تغییر حسابرس موجب تغییر در متن گزارش حسابرسی خواهد شد. [۷]

ریچاردسون (۲۰۰۶) در تحقیقی دیگر از شرکت‌های ورشکسته کانادایی دریافت که هر چه اندازه شرکت‌های ورشکسته کانادایی بزرگتر می‌شود، آنها تمایل دارند تا حسابرسان خود را از موسسات حسابرسی داخلی کانادا به موسسات بزرگ بین المللی تغییر دهند. او نتیجه می‌گیرد که دلیل این کار شرکت‌های کانادایی، رسیدن به کیفیت بهتر حسابرسی است، تا بواسطه آن اطمینان حاصل کنند که ورشکستگی شرکت تا چه اندازه ناشی از عملکرد مدیران بوده است. [۹]

ماگینا (۲۰۰۸) تغییرات حسابرس را با توجه به متغیرهای مدل ورشکستگی Z آلتمن در خصوص دو گروه از شرکت‌هایی که تغییر حسابرس داده بودند و شرکت‌هایی که تغییر حسابرس نداده بودند، مورد تحقیق قرار داد. نتایج تحقیق بیانگر این بود که نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری کل بدهیها شرکت‌هایی که حسابرس را تغییر داده بودند، به طور معناداری بیشتر از شرکت‌هایی که حسابرس را تغییر نداده بودند، می‌باشد. [۸]

یکی از شاخص‌هایی که به نوعی در ارتباط با ورشکستگی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اهرم مالی می‌باشد. اهرم مالی بیانگر ریسک مالی (مخاطره) واحد تجاری است. در این ارتباط یافته‌هایی حاکی از ارتباط یا عدم ارتباط بین شاخص مذکور و تغییر حسابرس

ب) در گام بعدی، داده‌های مورد نیاز در تحقیق به کمک نرم افزار جمع آوری شده و

ج) در آخرین مرحله، تحلیل داده‌ها و انجام آزمون‌ها به کمک نرم افزار excel و spss انجام خواهد شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۰ می‌باشد. موارد زیر در انتخاب نمونه تحقیق مد نظر قرار گرفته است:

- ۱) شرکت‌ها از سال ۱۳۸۰ به بعد در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند.
- ۲) جزء شرکت‌های تخصصی سرمایه‌گذاری و بانکی نباشند، زیرا این شرکت‌ها ماهیت و طبقه بندی اقلام صورت‌های مالی متفاوتی دارند.

- ۳) دوره مالی آنها پایان اسفند ماه باشد. این امر به دلیل سهولت در تجزیه و تحلیل داده است.
  - ۴) داده‌های آنها در دسترس باشد.
- با توجه به شرایط فوق، تنها ۵۶ شرکت شرایط مذکور را دارا بودند و لذا آنها به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند.

#### آماره‌های توصیفی تحقیق:

جدول زیر آماره‌های توصیفی تحقیق آورده شده است. این جدول نشان می‌دهد که طی دوره زمانی تحقیق تغییر حسابرس و تعداد اظهار نظر غیر مقبول و همچنین تغییر حسابرس از بخش دولتی (سازمان حسابرسی) به بخش خصوصی روند افزایشی دارد.

حسابرس و صدور گزارش مشروط در آمریکا دریافتند که رابطه‌ای مستقیم میان این دو متغیر وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق آنها بیانگر آن بود که بعد از تغییر حسابرس، نوع اظهار نظر حسابرس جدید در گزارش حسابرسی سال بعد از تغییر معمولاً تغییر نمی‌نماید [۲]. لاندزمن و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیق خود موضوع تغییر حسابرس را در دوران قبل و بعد از ورشکستگی انرون بررسی کردند. آنها دریافتند که با تغییر حسابرس، موسسات حسابرسی خواهان رعایت قانون ساربنیتز اکسلی هستند و به عبارتی به دنبال همسویی منافع خود با منافع صاحبکار نیستند. اما این موضوع در مورد موسسات حسابرسی بزرگ مصداق ندارد [۶].

#### روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق از نوع قیاسی - استقرایی است و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های آماری از نوع همبستگی و تی استیودنت استفاده شده است. در روش همبستگی اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته اندازه‌گیری می‌شود. از آن جایی که متغیرهای وابسته (تغییر حسابرس)، یک متغیر مجازی با مقادیر یک و صفر است، لذا از روش رگرسیون چند متغیره لاجستیک استفاده می‌شود. در این تحقیق اگر شرکتی حسابرس خود را در یک سال تغییر داده باشد، مقدار متغیر وابسته در آن سال برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود. همچنین برای آزمون برخی از فرضیه‌ها، از آزمون مقایسه میانگین‌ها (آزمون تی استیودنت) استفاده شده است.

تحقیق حاضر در سه مرحله انجام خواهد شد:

الف) در اولین مرحله با استفاده از روش کتابخانه‌ای، مبنای نظری مرتبط با موضوع تحقیق از منابع داخلی و خارجی استخراج می‌شود.

تغییر از سازمان حسابرسی به موسسات خصوصی	تغییر مالکیت	تعداد اظهار نظر غیر مقبول	تعداد تغییر حسابرس	سال
۱	۱۸	۱۱	۰	۱۳۸۰
۳	۱۶	۱۷	۵	۱۳۸۱
۳	۱۵	۱۳	۱۲	۱۳۸۲
۸	۱۳	۲۱	۲۱	۱۳۸۳
۲	۱۳	۲۲	۲۳	۱۳۸۴
۹	۱۳	۲۳	۲۷	۱۳۸۵
۷	۱۳	۲۴	۲۹	۱۳۸۶
۳۳	۱۰۱	۱۳۱	۱۱۷	جمع

### آزمون فرضیه‌ها

جدول زیر نتایج آزمون فرضیه را به طور خلاصه نشان می‌دهد.

شرح فرضیه	نام آزمون	متغیر مستقل	آماره T	سطح اهمیت Sig.	نتیجه آزمون فرضیه
فرضیه اصلی- شاخص Z آلتمن در میان شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر داده‌اند و شرکت‌هایی که تغییر نداده‌اند متفاوت می‌باشد.	تی استیودنت	شاخص آلتمن	۰/۳۳۹	۰/۳۵۳	رد می‌شود
فرضیه فرعی ۱- نسبت سرمایه در گردش به جمع دارایی‌ها میان شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر داده‌اند و شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر نداده‌اند، متفاوت است.	تی استیودنت	نسبت سرمایه در گردش به جمع دارایی	۰/۹۱۲	۰/۴۶۷	رد می‌شود
فرضیه فرعی ۲- نسبت سود انباشته به جمع دارایی‌ها میان شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر داده‌اند و شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر نداده‌اند، متفاوت است.	تی استیودنت	نسبت سود انباشته به جمع دارایی‌ها	۰/۳۰۷	۰/۷۱۶	رد می‌شود
فرضیه فرعی ۳- بازده دارایی‌ها میان شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر داده‌اند و شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر نداده‌اند، متفاوت است.	تی استیودنت	بازده دارایی‌ها	۰/۱۵۵	۰/۰۷۲	رد می‌شود
فرضیه فرعی ۴- نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی‌ها میان شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر داده‌اند و شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر نداده‌اند، متفاوت است.	تی استیودنت	نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش نقدی بدهی	۰/۹۷	۰/۰۹۵	رد می‌شود
فرضیه فرعی ۵- نسبت فروش به جمع دارایی در شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر داده‌اند و شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر نداده‌اند، متفاوت است.	تی استیودنت	نسبت فروش به جمع دارایی	۱/۶۷۶	۰/۳۶۱	رد می‌شود
فرضیه فرعی ۶- اندازه شرکت با تغییر حسابرس رابطه معنی‌دار دارد.	رگرسیون لاجستیک	اندازه شرکت	مورد ندارد	۰/۵۷۹	رد می‌شود
فرضیه فرعی ۷- صدور گزارش غیرمقبول در سال قبل از تغییر با تغییر حسابرس رابطه معنی‌داری دارد.	رگرسیون لاجستیک	متغیر مجازی گزارش غیر مقبول	مورد ندارد	۰/۰۳۲	تائید می‌شود
فرضیه فرعی ۸- تغییر مالکیت شرکت‌ها با تغییر حسابرس رابطه معنی‌دار دارد.	رگرسیون لاجستیک	تغییر در مالکیت	مورد ندارد	۰/۰۰۳	تائید می‌شود
فرضیه فرعی ۹- نسبت اهرمی شرکت‌ها با تغییر حسابرس رابطه معنی‌دار دارد.	رگرسیون لاجستیک	نسبت اهرمی	مورد ندارد	۰/۰۰۵	تائید می‌شود

Variables in the Equation							
		B	S.E.	Wald	df	Sig.	Exp(B)
Step 1 <sup>a</sup>	شاخص آلتمن	-.036	.089	.168	1	.682	.964
	گزارش غیر مقبول	.676	.240	7.950	1	.005	1.967
	تغییر مالکیت	-.891	.304	8.570	1	.003	.410
	نسبت اهرمی	3.007	1.404	4.584	1	.032	20.218
	اندازه شرکت	-.048	.087	.308	1	.579	.953
	Constant	-.474	1.137	.174	1	.677	.623

با توجه به نتایج حاصله از جداول فوق می‌توان اظهار داشت که متغیرهایی که میزان سطح اهمیت آنها پائین تر از پنج درصد است، یعنی متغیر گزارش غیر مقبول، تغییر مالکیت و نسبت اهرمی با تغییر حسابرسان در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌دار دارند. بنابراین فرضیه‌های فرعی هفتم، هشتم و نهم تأیید می‌گردند. اما از آنجائیکه مقدار سطح اهمیت متغیرهای اندازه شرکت بیش از ۵ درصد است، لذا میان اندازه شرکت با تغییر حسابرسان رابطه معنی‌دار وجود ندارد. از این رو فرضیه‌های ششم تأیید نمی‌گردد. شاید یکی از دلایل رد این فرضیه تعداد اندک شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک در نمونه آماری تحقیق باشد. همچنین شاخص ورشکستگی آلتمن نیز با تغییر حسابرسان رابطه معنی‌دار ندارد و فرضیه اصلی تحقیق نیز با استفاده از رگرسیون لجستیک مجدداً رد می‌شود.

#### نتیجه‌گیری از نتایج آزمون فرضیه‌ها

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه‌ها مشخص شد که فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی شماره ۱ الی ۵ رد گردیدند. فرضیه ۶ مبنی بر ارتباط اندازه شرکت با تغییر حسابرسان رد گردید. همچنین فرضیه ۷ الی ۹ مبنی بر ارتباط صدور گزارش غیرمقبول در سال قبل از تغییر حسابرسان، تغییر مالکیت و نسبت اهرمی با تغییر حسابرسان مورد تأیید واقع گردید.

با توجه به مطالب فوق ملاحظه می‌شود که تغییر حسابرسان بیشتر تحت تأثیر عوامل غیر حسابداری از جمله عدم تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت، وجود سهامداران عمده در ترکیب سهام شرکت‌ها (پایین بودن سهام شناور شرکت‌ها)، وجود سهامداران حقوقی و شبه دولتی در ترکیب سهام شرکت‌ها، تصمیم‌گیری شرکت‌های هلدینگ برای شرکت‌های گروه قرار دارد تا تحت تأثیر عوامل کمی و متغیرهای حسابداری.

#### پیشنهادات برای تحقیقات آتی

- ۱) بررسی رابطه سایر شاخص‌های ورشکستگی نظیر شاخص ژمسکی با تغییر حسابرسان
- ۲) بررسی تطبیقی تغییر حسابرسان در شرکت‌های زیانده خارج شده از تابلوی بورس اوراق بهادار و شرکت‌های بورسی باقی مانده در تابلوی بورس
- ۳) بررسی تطبیقی تغییر حسابرسان در شرکت‌های فعال در بازار اول بورس اوراق بهادار و شرکت‌های فعال در بازار دوم بورس اوراق بهادار.
- ۴) بررسی رابطه بین تغییر حسابرسان و حق الزحمه حسابرسانی
- ۵) بررسی رابطه بین نوع حسابرسان و کیفیت صورتهای مالی

فهرست منابع

- 1) Abdul Nasser Abu Thahir , Emelin Abdul Wahid, Sharifah Nazatul Faiza Syed Mustapha Nazri, Mohammad Hudaib (2006) “ Auditor- Client relationship : the case of tenure and auditor switching in Malaysia” managerial Auditting Journal , VOI 21, Issue 7 , PP. 724-737
- 2) Chow Chee and Rice Steven (1982) “ Qualified Audit Opinion and Auditor Switching” Thr Accounting Review , Vol LVII. No 2 pp. 326- 338
- 3) Firth, M. and Smith, A. (1992), 'Selection of Auditor Firms by Companies in the New Issue Market', Applied Economics,
- 4) Francis, Jere R.; Wilson, Earl R..(1988) “ Auditor\_Changes: A\_Joint\_Test\_of Theory\_Relating\_to\_Agency\_Costs\_and Auditor\_Differentiation.” Accounting Review, Vol. 63 Issue 4, p663
- 5) Ismail Shahnaz , Aliahmed Huson Johar , Nassir Annuar and Abdul HAMid Mohammad Ali (2008) ,” Why Malaysian second Board Companies Switch Auditors: Evidence Of Bursa Malaysia” , International Research Journal of Finance and Economics, Issue 13 ,pp123 -136
- 6) Landsman Wayne R., Karen K. Nelson, Brian R. Rountree( 2009) “Auditor Switches in the Pre- and Post- Enron Eras: Risk or Realignment” , THE ACCOUNTING REVIEW Vol. 84, No. pp. 531–558
- 7) Lennox. C.( 2000) Do Companies Successfully Engage in Opinion-Shopping? Evidence from the UK." Journal of Accounting and Economics 29
- 8) Maggina A.G.(2008), AUDITORS' SWITCHING:AN EMPIRICAL INVESTIGATION, GLOBAL JOURNAL OF BUSINESS RESEARCH , Volume 2 , Number 1, pp 85- 100
- 9) Richardson Alan J. (2006) AUDITOR SWITCHING AND THE GREAT DEPRESSION, Accounting Historians Journal Vol. 33, No. 2 , pp. 39-62
- 10) Schwartz Kenneth and Menon Krishnagopal (1985) Auditor Switches by Failing Firms , The Accounting Review ,Vol LX, No 2 PP 248 - 263
- 11) Vanstraelen Ann (2003) Going-Concern Opinions, Auditor Switching, and the Self-Fulfilling Prophecy Effect Examined in the Regulatory Context of Belgium , JOURNAL OF ACCOUNTING. AUDITING & FINANCE , Vol. 18 Issue 2, p231-253
- 12) Woo ES, Koh HC ( 2001) “ Factors associated with auditor changes: a Singapore study” , Accounting & Business Research, Spring2001, Vol. 31 Issue 2, p133-144